

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل دهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل دهم

ارجاع کنندگان

زمانی می رسد که مراجعه کنندگانی از کلیسا های دیگر به شما رجوع خواهند کرد. به این خاطر ملاحظاتی را باید در نظر بگیرید که معمولاً مربوط به شما نمی شوند. مسائلی در این رابطه ممکن است ایجاد شوند که نیازی به آنها نیست. من اینجا صحبت از چگونگی رسیدگی به انواع اصلی آنها را خواهم کرد.

یکی از این مسائل، موضوع چگونه معرفی شدگان از کلیسا های دیگر را می توانید بپذیرید است، و دوم افرادی که شخصاً به شما مراجعه می کنند را به چه شرط خواهید پذیرفت. ابتدا گروه دوم را در نظر بگیریم. بسیاری هستند که بخاطر دلایل مختلف نمی خواهند با کشیش خود تماس بگیرند و به این دلیل شخصاً مراجعه می کنند. یکی از دلایل، خجل شدن یا افشا کردن جزئیات است. دلیل دیگر نیز ممکن است آن باشد که متقاضی فکر نمی کند کشیش خودش بتواند بخوبی به او کمک کند. و دلیل سوم نیز این است که تجربه بدی از کشیش خود داشته (چه حال یا گذشته). برای ما تا بحال، افشای خصوصیات متقاضی دلیل عمده رجوع متقاضیان کلیسا های دیگر بوده است. البته دلایل دیگری نیز هست، اما آنچه نام بردم دلایل اصلی می باشند.

دلیل آنکه متقاضی نمی خواهد خجل شود، یا می ترسد اطلاعات مربوط به او از طریق کشیش افشا گردد، نامشروع است. خدا است که در کلیسا کار می کند و اعضای آن را می سازد و برکت می دهد. باید به این متقاضی نشان داد که کلام خدا کشیش را همچون ”چوپان“ معرفی کرده که به تمام نیاز های گوسفندان خود رسیدگی خواهد کرد(۱):

ارمیا ۲۳

۱: خداوند می گوید: «وای بر شبانی که گله مرتع مرا هلاک و پراکنده می سازد.»
۴: و برای ایشان شبانانی که ایشان را بچرانند برپا خواهم نمود که بار دیگر ترسان و مشوش نخواهند شد و مفقود نخواهند گردید» قول خداوند این است

گوسفند سرگردانی که نزد شما می آید را باید تشویق و ترغیب کنید تا به کشیش خود باز گردد، یا از کشیش خود بخواد او را نزد شما همراهی کند. به هر حال، در تمام این گونه موارد، ضروری است کشیش متقاضی را بگونه ای مناسب و حیاتی، در هر آنچه مربوط به عضو کلیسایش (متقاضی) می باشد دخالت دهید.

اما در صورتی که متقاضی بگوید که نمی خواهد رابطه خوبی که با کشیش خود دارد را با افشای گناهان و ضعف های خود از میان ببرد، چکار باید کرد؟ او به دلیل آنکه از جانب شما ”ناشناس“ شمرده خواهد شد به شما پناه آورده است. شما باید مثال چوپان و گوسفند هایش که در کلام آمده (یوحنا ۱۰) را برایش باز کنید تا ببیند که چوپان و گوسفندانش باهم، به مسائل رسیدگی می کنند. چوپان هر یک از گوسفندان را می شناسد (به نام)، با تمام ضعف و بی قاعدگی هایشان، و گوسفندان نیز دنبال چوپان دیگری نخواهند رفت. گوسفندی که می گوید رابطه خوبی با چوپان (کشیش) خود دارد، اما پیرو چوپان (مشاور) دیگری می شود، اشکالی را دارد. شاید لازم است رابطه تازه ای را با کشیش خود ایجاد کند (رابطه ای که صمیمی و عمیق تر از گذشته است). به

او اصرار کنید که موضوع را با کشیش خود در میان گذاشته و از او بخواهد مسئله را از طریق کلام خدا حل کند.

اما نمی توان امکان آنکه کشیش آن شخص مشاور دانائی ای نیست را، نادیده گرفت. ممکن است به اعضای خود گفته که ”من مشاوره نمی کنم“ و ”من فکر می کنم اگر این آیات را مطالعه کنید، و راجع به آن دعا کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد مسئله خود را حل کنید“. گوسفندی که به شما رجوع کرده ممکن است خود می داند، کمکی که کشیش او می تواند بکند کافی نیست. ممکن است او کشیش جوانی است، تازه دست گذاری شده (یا دوره الهیات را تمام کرده)، و دوران پختگی خود را می گذراند. شاید هم مسن تر است، اما هنوز مشاوره مسیحی را نیاموخته است. احتمال دارد او کشیشی است که اعضای کلیسایش را به سراغ روانشناسان یا مشاوران ”مسیحی“ ”التقاطی“ می فرستد. و در نتیجه ممکن است نتیجه این باشد که این متقاضی نیاز به مشاوره دارد که بر اساس کلام خدا خدمت می کند (شما).

در تمام این گونه موارد، لازم است او را قانع کنید کشیش خود را وارد ماجرا نکند. شما می توانید امکان آنکه هر دو در جلسات مشاوره شما حضور داشته باشند را پیشنهاد کنید. اما توجه داشته باشید که این پیشنهاد برای کشیشانی که مغرورند، تهدید آمیز نیز می باشد. و متأسفانه، این از ضعف هائی است که باید قبول کنید. شما موضوع را برای متقاضی باید روشن کنید، که قواعد کار شما ایجاب می کند که کشیش یا شیخ کلیسای او در تمام جلسات مشاوره شما حضور داشته باشد. باید برایش آشکار کنید که نمی توانید با شخصی صحبت از کلام خدا یا کاری که باید انجام دهد بکنید، بدون آنکه کشیش او از آن باخبر باشد. شما نمی خواهید به رابطه ای که با کشیش خود دارد صدمه وارد کنید.

اگر کشیش آن متقاضی نمی داند چگونه مشاوره را انجام رساند، ممکن است با حضور در جلسات مشاوره چیزی را بیاموزد. در واقع اگر خارج از جلسات رواج یابد که مشاوره شما سودمند می باشد، کشیش های دیگری ممکن است متقاضیان خود را به شما ارجاع کنند. این کشیشان را باید به جلسات مشاوره آورد، تا قدری بیشتر از مسئولیت به اعضایشان (فرقی ندارد به چه دلیل آنها را به شما ارجاع نموده اند) آگاه شوند. اگر تنبلند، شاید بتوانید به آنها کمک کنید تغییر لازم را در خود ایجاد کنند. اگر بی کفایتند، ولی مایل به فراگیری می باشند، امکانات دیگری جز نشستن در جلسات مشاوره شما وجود دارد. ما با یاری مشاورانی که هدیه ترجمه این کتاب ها را به زبان فارسی تقبل کرده اند، می توانیم کشیشان و خادمین بسیاری را در خدمت مشاوره مسیحی آموزش دهیم.

علاوه بر این (و این مستقیماً به شما مربوط می شود)، در صورتی که برای متقاضی در جلساتی که هر دو در آن حضور دارند، گشایش ایجاد شد، می توانید مراحل بعد از گشایش (همراه با طرح اجرای کار هائی که باید انجام بگیرد) را به کشیش او واگذار نمایید. این اقدام وقت شما را آزاد خواهد کرد تا بیشتر به اعضای کلیسای خود رسیدگی کنید، و همچنین کمک خواهد کرد تا کشیش او در امورات عضو خود بیشتر مشغول شود.

حال موارد دیگری در همین رابطه را در نظر بگیریم. ممکن است کشیش متقاضی نخواهد به جلسات ملحق شود، یا آنکه شما نمی خواهید او ملحق شود! در مورد کسانی که شما نمی خواهید حضور داشته باشند، کشیشان کلیساهای مردمی (لیبرال) یا فرقه ای می باشند. در این صورت کشیش مورد نظر ممکن است گرگی در لباس میش بوده باشد. شما باید ابتدا (در جلسات اولیه مشاوره) به متقاضیانی که عضو این گونه کلیساهای می باشند بگویند که مشاوره شما شامل تغییر کلیسا نیز (به کلیسایی که کلام خدا را آموزش می دهد و به مرحله اجرا می گذارد) خواهد بود (۱). از طرفی، کلیسای او ممکن است مردمی نباشد، ولی انضباط کلیسا را اجرا نکند (در صورتی که

مشاوران مسیحی می دانند که بعضی موارد دقیقاً نیاز به اجرای چنین مرحله‌ی حیاتی را دارند). در این صورت نیز باید او را تشویق کنید به کلیسائی بروید که انضباط روحانی را جزء امورات خود بحساب می آورد. متأسفانه دلائل بسیاری وجود دارد برای تشویق فرزندان خدا به تغییر کلسایشان. اما، در صورتی که کشیش مورد نظر کلام خدا را قبول دارد، و حاضر است در جلسات مشاوره شما حضور یابد، شما باید سعی خود را بکنید تا رابطه میان او و عضو کلیسایش را عمیق و مستحکم نمائید. خواست خدا این نیست که از خدمت مشاوره خود استفاده کنید تا گوسفندان مراتع دیگر را بربائید. اما به هر شکل که می توانید، گوسفندان را از چنگال کشیشان ناسالم و مردمی رها کنید. اما، توجه نیز داشته باشید که لازم است قبل از این گونه نصایح، از اطلاعاتی که بدست آورده اید اطمینان را حاصل کرده باشید.

حال می پردازیم به کشیشی که در جلسات شما حضور داشته و متقاضی همراهش به گشایش رسیده (آنچه قبلاً صحبت از آن کردیم). در این موارد لازم است حکمت بخرج دهید. در طول جلسات مشاوره (و زمانی که با کشیش او ملاقات خصوصی داشتید) پیشرفت کشیش را نیز ملاحظه کنید و او را در جریان دخالتهای خود و با سؤالاتی که از او می کنید، برداشت های او را بسنجید. اگر برداشت های او صحیح باشند، این شخص در راه رشد و میوه روحانی است. نتیجتاً، نه تنها متقاضی را کمک کرده اید، بلکه باعث شده اید کشیش او نیز برکت یابد(۲).

اگر بنظرتان آمد که این کشیش، به تنهایی می تواند مشاوره را ادامه دهد(۳)، باید به او کمک کنید این کار صورت بگیرد. لازم خواهد بود که برنامه زمان بندی شده ای را بمدت شش هفته (یا هر زمان که فکر می کنید احتیاج دارد) برای کشیش فراهم سازید، و سپس به متقاضی بگوئید، ”ما از روی بلندی کوه گذشته ایم، و حال اطمینان دارم شما با کمک کشیش خود خواهید توانست بقیه راه را با هم طی کنید“. این برنامه تنظیم شده نیز باید بر روی کاغذ نوشته شده، شرح داده شود و به توافق رسیده باشد. به این شکل، کمتر امکان دارد که کشیش و متقاضی از کاری که عهده دار می شوند، شانه خالی کنند. اما فراموش نکنید که شما می توانید با کشیش بطور خصوصی ملاقات کنید و راجع به پیچ و خم های کار مشورت کنید. این گونه تماس ها نیز می تواند از طریق تلفن، اینترنت، و حتی اسکایپ، انجام گردد. همچنین، باید یاد آور بشوید که در صورت برخورد با موانع می توانند مجدداً با شما مشورت بکنند.

این اقدامات پیش گیرانه بخاطر آن است که کشیش بتواند کاری که باید انجام شود را انجام دهد. از جانبی نیز، ممکن است خبر این اقدامات شما به گوش کشیشان دیگری برسد و تشویق گردند متقاضیان خود را (و حتی خود نیز)، به مشاوره شما رجوع کنند.

در خلاصه، متقاضیانی که از کلیسا های دیگر قبول می کنید باید از جانب کشیش ارجاع شده، و خود نیز اگر بخواهد حضور داشته باشد. شما نیز ممکن است لازم بدانید متقاضی را به مشاوره شخص دیگری ارجاع کنید. در این صورت، سعی کنید خود نیز در آن جلسات نشسته و آموزش لازم را بدست آورید.

فهرست زیر نویس های فصل دهم

- (۱) البته فرض بر این است که متقاضی ایمانداری واقعی است، که عضو کلیسای نادرستی شده است. این اطلاعات در جلسات اولیه با در دست داشتن فرم مشخصات شخصی ایماندار بدست خواهد آمد. بعنوان مثال، ممکن است متقاضی بگوید کشیش او معتقد است که باید از همسرش طلاق بگیرد، در صورتی که کلام خدا آن را رد کرده است. صحبت راجع به این مسائل ممکن است معلوم سازد که کلیسایش مردمی است.
- (۲) کشیش هائی هستند که رشد زیادی نمی کنند. در چنین موارد، باید حکمت بخرج داده و دلیل و راه حل آن را (اگر بخواهد)، بدست آورید.
- (۳) معمولاً این موقعیت را یک یا دو هفته پس از گشایش ایجاد شده مشاهده خواهید کرد. اما قبل از آنکه متقاضی را به کشیش خودش بسپارید، صبر کنید تا اطمینان از آنکه تغییر ایجاد شده (گشایش)، کفاف پابرجا ماندن را دارد را بدست آورید.